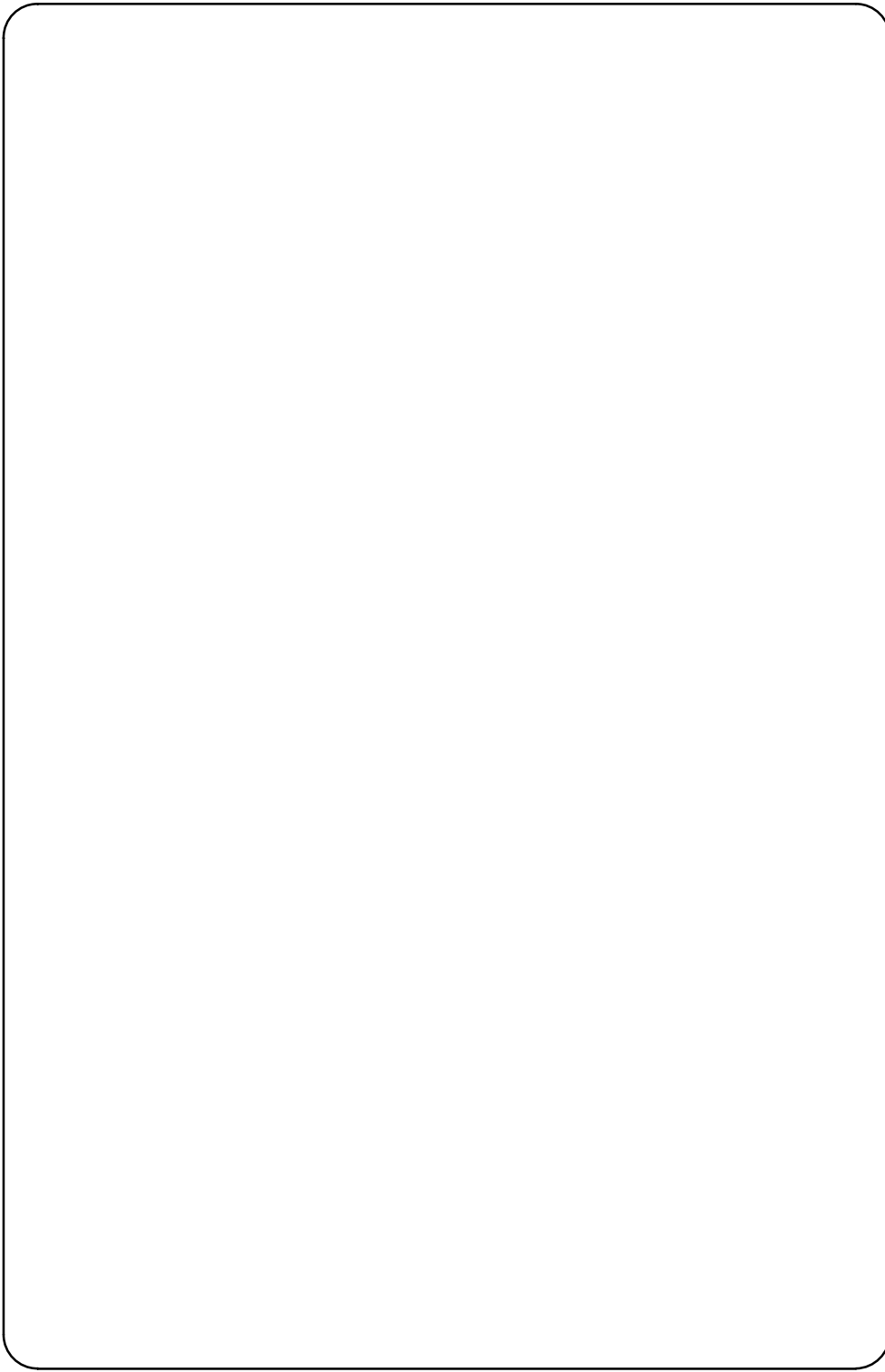




نگرشی علمی به

هزینه و درآمد دولت اسلامی

حسن آقا نظری

محمد تقی گیلک حکیم آبادی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

سال پیامبر اعظم (ص)

زمستان - ۱۳۸۵

نظری، حسن آقا

نگرشی علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی / حسن آقا نظری، محمدتقی گلیک حکیم آبادی.
— قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۲.
۱۹۲ ص: جدول، نمودار. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۶۰ اقتصاد؛ ۹).
ISBN: 964-7788-04-5 بهاء: ۹۰۰۰ ریال
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۱۸۳] - ۱۸۸؛ همچنین به صورت زیر نویس.
نمایه.
۱. مالیات اسلامی. ۲. اسلام و اقتصاد. الف. گلیک حکیم آبادی، محمدتقی. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. پژوهشکده امور اقتصادی. د. عنوان.
۸ ن ۶ / BP۲۳۰ ۲۹۷/۴۸۳۳
کتابخانه ملی ایران
۸۱-۴۹۰۹۳ م



نگرشی علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی

مؤلفان: حسن آقا نظری - محمدتقی گلیک حکیم آبادی

ناشران: «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «پژوهشکده امور اقتصادی»

ویراستاران: محمدجواد شریفی - حمیده انصاری

حروفچینی و صفحه آرایی: اداره نشر و ویرایش پژوهشگاه

چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۵

تعداد: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: قم - مؤسسه چاپ زیتون

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «پژوهشکده امور اقتصادی» محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: بلوار محمد امین (ص)، ابتدای بلوار جمهوری اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ☐ تلفن: ۲۱۱۱۱ (۰۲۵۱) انتشارات ۲۹۰۶۰۳۰

نماین: ۲۱۱۱۲۲۲ و ۲۹۰۹۲۱۰، ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ ☐ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو ☐ تلفن: ۶-۶۶۴۶۰۹۳۵

www.pub-hu.com

پژوهشکده امور اقتصادی: تهران، خ فلسطین، خ ایتالیا، پلاک ۶ ☐ تلفن: ۸۹۷۸۱۶۹-۷۰، نمابر: ۸۹۶۶۹۲۰، ص. پ. ۱۴۱۵۵-۴۹۳۷

www.ireri@fararayaneh.com

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه ناشران
۱۵	پیش‌گفتار
۱۷	مقدمه: طرح کلی اقتصاد اسلامی
۱۷	۱. عناصر ثابت
۱۷	۲. عناصر متغیر (مبانی اولویت‌های اقتصادی)
۱۸	۳. عناصر متغیر زمانی (مرتبط با رویدادهای اجتماعی)

بخش اول: تمایز مبنای وظایف و اهداف دولت در اسلام و لیبرالیسم

۲۱	فصل اول: مبنای وظایف و اهداف اقتصادی دولت لیبرال
۲۷	فصل دوم: مبنای وظایف و اهداف اقتصادی دولت اسلامی
۲۹	اهداف کلی اقتصادی دولت اسلامی
۲۹	۱. عدالت اجتماعی
۲۹	۱ - ۱. محدودیت کسب درآمد
۳۰	۱ - ۲. پرداخت حقوق مالی (مالیات و ...)
۳۰	۱ - ۳. حق حاکمیت در تأمین مصالح عامه
۳۰	۱ - ۴. توازن درآمد جامعه
۳۱	۲. توسعه و رشد

بخش دوم: درآمدهای غیرمالیاتی در نظام درآمد - هزینه‌ی دولت اسلامی

۳۴	فصل اول: درآمد منابع طبیعی
----	----------------------------

۳۵	مدیریت منابع طبیعی در صدر اسلام
۳۵	۱. روش بهره‌برداری
۳۵	الف) مشارکت
۳۶	ب) واگذاری
۳۸	۲. اصول حاکم بر کیفیت بهره‌برداری
۳۸	الف) اصل عدالت
۳۸	ب) اصل کارایی
۳۹	ج) اصل تعادل محیط زیست
۴۰	فصل دوم: درآمدهای مردمی
۴۰	منابع عمده‌ی درآمدهای مردمی
۴۰	۱. وقف
۴۱	۲. انفاق
۴۳	۳. فروش کالاها و خدمات دولتی به بخش خصوصی

بخش سوم: مالیات در اقتصاد اسلامی

۴۷	فصل اول: طبقه‌بندی مالیات‌ها
۴۷	۱. طبقه‌بندی مالیات‌ها در فقه
۴۷	۱ - ۱. زکات
۴۷	۱ - ۲. خمس
۴۸	۲. طبقه‌بندی مالیات از دیدگاه اقتصاد
۴۸	۲ - ۱. مالیات بر درآمد
۴۸	الف) منابع مالیات بر درآمد
۵۰	ب) احکام و مسائل مالیات بر درآمد
۵۴	ج) نرخ‌های مالیات بر درآمد
۵۴	- نرخ زکات در محصولات زراعی
۵۴	- نرخ خمس ارباح مکاسب
۵۵	- نرخ خمس معادن
۵۵	د) معافیت‌ها

۵۷	۲ - ۲. مالیات بر ثروت
۵۷	الف) منابع مالیات بر ثروت
۵۸	ب) نرخ‌های مالیات بر ثروت
۵۸	- نرخ زکات دام‌های سه‌گانه
۶۵	- نرخ زکات نقدین
۶۸	فصل دوم: اجرای مالیاتی
۶۸	۱. حدود مسئولیت دولت اسلامی
۶۸	۱ - ۱. وجوه شرعی و بودجه‌ی دولت
۶۸	الف) زکات و بودجه‌ی دولت
۶۹	ب) خمس و بودجه‌ی دولت
۷۰	۱ - ۲. عبادی بودن زکات و خمس
۷۱	۲. مراحل اجرای مالیاتی
۷۲	۲ - ۱. تشخیص مالیات (ارزیابی)
۷۲	الف) روش خود ارزیابی
۷۳	ب) روش تخمینی
۷۳	ج) روش اداری مستقیم
۷۴	۲ - ۲. جمع‌آوری مالیات
۷۴	الف) مأموران مالیاتی
۷۶	ب) جلب همکاری و رضایت مؤدیان
۷۸	ج) ضمانت‌های اجرایی و جرایم مالیاتی
۸۰	فصل سوم: فلسفه‌ی تشریع مالیات‌های ثابت
۸۰	۱. تأمین اجتماعی
۸۰	۲. موااسات میان مسلمین
۸۰	۳. قرب به خداوند
۸۱	۴. حفظ اموال
۸۱	۵. رشد و نمو مال
۸۲	۶. منبع مالی دولت

بخش چهارم: آثار اقتصادی مالیات‌های اسلامی

۸۴	فصل اول: مالیات‌های اسلامی و کارایی اقتصادی
۸۴	۱. کارایی در مالیات‌ها و تعریف اُفت کارایی
۸۵	۱ - ۱. مالیات بهینه بر درآمد
۸۸	۱ - ۲. تجارب اصلاحات مالیاتی
۹۱	۲. بررسی کارایی در مالیات‌های اسلامی
۹۲	۲ - ۱. پایه‌های مالیاتی در نظام مالیات بر درآمد در اسلام
۹۳	۲ - ۲. نرخ‌های مالیاتی
۹۵	فصل دوم: تأثیر مالیات‌های اسلامی بر عرضه‌ی نیروی کار
۹۵	۱. تأثیر زکات به عنوان پرداخت انتقالی بر عرضه‌ی نیروی کار (دریافت کنندگان)
۹۷	۲. تأثیر مالیات‌های اسلامی بر عرضه‌ی نیروی کار (مؤدیان)
۹۷	۲ - ۱. مالیات‌های اسلامی مؤثر بر درآمد
۹۹	۲ - ۲. مالیات‌های اسلامی مؤثر بر ثروت
۱۰۱	فصل سوم: تأثیر مالیات‌های اسلامی بر پس انداز
۱۰۱	۱. تأثیر خمس بر پس انداز
۱۰۳	۲. تأثیر زکات بر پس انداز
۱۰۵	فصل چهارم: تأثیر مالیات‌های اسلامی بر سرمایه‌گذاری
۱۰۵	۱. تأثیر مالیات‌های اسلامی در جانب تحصیل (جمع‌آوری)
۱۰۶	۲. تأثیر مالیات‌های اسلامی در جانب هزینه (بررسی انگیزه‌ها و زمینه‌ها)
۱۰۸	فصل پنجم: تأثیر زکات بر مصرف
۱۱۱	فصل ششم: مالیات‌های اسلامی و توزیع درآمد و ثروت
۱۱۱	۱. معیارهای توزیع درآمد و ثروت
۱۱۲	۱ - ۱. «مبادله» به عنوان یک پایه‌ی توزیع

۱۱۳	۱ - ۲. «نیاز» به عنوان پایه‌ی دیگر توزیع
۱۱۳	۲. مسئولیت‌ها در توزیع درآمد
۱۱۴	۲ - ۱. مسئولیت مردم
۱۱۷	۲ - ۲. مسئولیت دولت
۱۱۹	۳. بررسی اثر توزیعی مالیات‌های اسلامی
۱۱۹	۳ - ۱. اثر توزیعی در جانب تأمین اجتماعی
۱۲۰	۳ - ۲. اثر توزیعی در جانب توازن درآمد و ثروت
۱۲۰	الف) نرخ‌های مالیات بر درآمد
۱۲۰	ب) نرخ‌های مالیات بر ثروت
۱۲۱	ج) نرخ زکات نقدین
۱۲۳	فصل هفتم: مالیات‌های اسلامی و رشد و ثبات اقتصادی
۱۲۳	۱. رابطه‌ی رشد اقتصادی و توزیع درآمد از منظر علم اقتصاد
۱۲۸	۲. رشد اقتصادی از منظر اسلام
۱۲۸	۳. مالیات‌های اسلامی و رشد اقتصادی
۱۲۹	۳ - ۱. عرضه
۱۲۹	الف) اثر مالیات‌ها بر پس انداز
۱۲۹	ب) اثر مالیات‌ها بر سرمایه‌گذاری
۱۳۰	ج) اثر مالیات‌ها بر عرضه‌ی کار
۱۳۰	- بهره‌وری نیروی کار
۱۳۱	- ساعات کار
۱۳۱	۳ - ۲. تقاضا
۱۳۳	۴. مالیات‌ها و تثبیت اقتصادی
۱۳۶	۴ - ۱. دوره‌های تجاری در نظام اقتصادی اسلام و نقش مالیات‌ها در تثبیت اقتصادی
۱۳۶	الف) دوره‌های تجاری در اقتصاد اسلامی
۱۳۶	- عوامل کاهش نوسانات در اقتصاد اسلامی
۱۳۹	ب) مالیات‌ها و تثبیت
۱۳۹	- استفاده از هزینه‌ها و مصارف مالیات‌ها

بخش پنجم: هزینه‌های دولت اسلامی

- ۱۴۴ فصل اول: مفاهیم مرتبط با هزینه‌های دولت
- ۱۴۴ ۱. امر عمومی
- ۱۴۵ ۲. نیاز عمومی

- ۱۴۸ فصل دوم: وظایف دولت اسلامی (انواع مخارج عمومی)
- ۱۴۸ ۱. تعلیم و تربیت
- ۱۵۰ ۲. حفاظت از دین و مبارزه با بدعت‌ها
- ۱۵۱ ۳. امنیت ملی و امکانات دفاعی
- ۱۵۳ ۴. مبارزه با تبعیض‌ها و بی عدالتی‌های اقتصادی (اجرای عدالت)
- ۱۵۵ ۵. تأمین اجتماعی (تأمین نیازهای اساسی نیازمندان)
- ۱۵۸ ۶. عمران و آبادی
- ۱۵۹ ۷. ایجاد رفاه عمومی و افزایش درآمدهای مردم
- ۱۶۰ ۸. نظارت بر بازار و تنظیم آن
- ۱۶۱ ۹. جمع‌آوری مالیات و تنظیم بیت المال

- ۱۶۲ فصل سوم: اصول و معیارهای هدایت و توزیع هزینه‌های عمومی
- ۱۶۲ ۱. اصل مصلحت عمومی
- ۱۶۴ ۲. اصل عدالت
- ۱۶۵ ۱ - ۲. عدالت منطقه‌ای (اقلیمی)
- ۱۶۷ ۲ - ۲. عدالت فردی
- ۱۶۹ ۳. اصل مشروعیت
- ۱۶۹ ۴. اصل کارایی
- ۱۷۱ ۵. اصول اولویت در مخارج عمومی
- ۱۷۱ ۵ - ۱. معیارهای مقایسه بین مصالح و مفساد
- ۱۷۲ ۵ - ۲. شاخص‌های کمکی در ارزیابی

خلاصه و جمع‌بندی

- ۱۷۷ اهمیت بخش عمومی در اسلام

۱۷۷	معرفی مالیات‌های اسلامی
۱۷۷	مهم‌ترین ویژگی‌های مالیات بر درآمد
۱۷۸	ویژگی‌های مالیات بر ثروت
۱۷۹	اجرای مالیات‌ها
۱۷۹	مالیات‌ها و تخصیص
۱۸۰	توزیع درآمد
۱۸۱	مالیات‌ها، رشد و تثبیت اقتصادی
۱۸۱	هزینه‌ها

فهرست منابع

۱۸۳	منابع فارسی و عربی
۱۸۷	منابع لاتین

نمایه‌ها

۱۸۹	نمایه آیات
۱۹۱	نمایه روایات

مقدمه ناشران

پژوهش در علوم اقتصادی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی، ضبط و مهار پدیده‌های اقتصادی] در راستای تحقق اهداف و برنامه‌های توسعه کشور، ضرورتی انکارناپذیر است. پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی از سوی دیگر است. از این رو آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در بازرگاری و بومی سازی مبانی و مسایل اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای در پژوهش‌های علمی ایران اسلامی برخوردار است. «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «پژوهشکده امور اقتصادی» در راستای ایفای رسالت خود در این زمینه، کار مشترک خود را با عنوان کتاب «نگرشی علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی» به جامعه علمی تقدیم می‌کنند. این کتاب به عنوان منبع مطالعاتی برای اقتصاددانان و پژوهشگران مسائل اقتصادی تهیه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

بر خود لازم می‌دانیم از مؤلفان محترم، آقایان حجة الاسلام والمسلمین حسن آقانظری که علاوه بر تألیف، مجری طرح نیز بوده‌اند و حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی و همچنین زحمات حجج اسلام آقایان علی‌رضا لشکری و سیدرضا حسینی که بخش‌هایی از کتاب را تحقیق کرده‌اند صمیمانه تشکر و قدردانی نماییم.

پیش‌گفتار

بی‌شک در جهان معاصر، دخالت دولت در حوزه‌ی اقتصاد امری غیر قابل اجتناب است؛ هم‌چنان که تئوری‌های علمی نیز ناکارآمدی مکانیزم بازار را در سامان‌دهی برخی مشکلات اقتصادی به عنوان رویکرد جدید پذیرفته است. در اقتصاد ایران، بودجه، به سبب این که یکی از مؤثرترین ابزار سیاست‌گذاری اقتصادی - اجتماعی دولت است جایگاه ویژه‌ای دارد؛ هر چند به لحاظ عدم توجه به بسترهای گوناگون، به ویژه شرایط فرهنگی - اجتماعی، دچار ناکارآمدی‌های جدی است.

حاکمیت اسلام در ایران می‌طلبد که آموزه‌های اسلام نسبت به هزینه و درآمد دولت مشخص شود، تا براساس آن مقایسه‌ای بین آنچه که هست و آنچه که باید شکل گیرد، به عمل آید. از این رو، موضوع فوق‌مورد پژوهش قرار گرفت. در این پژوهش، تلاش عمده براین بوده است که دیدگاه اسلام در مورد درآمد مالیاتی - که یکی از چالش‌های اقتصاد ایران است - مورد توجه قرار گیرد؛ هر چند نیم‌نگاهی به درآمدهای غیر مالیاتی نیز داشته است. نکته‌ی شایان توجه این است که در مورد مالیات‌های ثابت اسلامی، به دو زبان عربی و فارسی تحقیقاتی انجام گرفته است - البته بیشتر به زبان عربی - ولی در ادبیات هیچ یک از این تحقیقات، دو ویژگیِ توازنِ درآمد و رشد تولیدات جامعه، به طور هم‌زمان مورد توجه قرار نگرفته است.

برخی از محققان این عرصه، توازن ثروت و درآمد، و برخی دیگر رشد تولیدات جامعه را وجهه‌ی همت خود قرار داده‌اند؛ ولی در این پژوهش، دغدغه براین بوده است که نشان دهیم چگونه مالیات‌های ثابت اسلامی، به لحاظ ویژگی‌های خود، نه تنها مانعی در برابر انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی نیستند، بلکه می‌توانند در توزیع درآمد، به ویژه بالا بردن سطح زندگی مردم، نقش مهمی را ایفا نمایند. شایان ذکر است که

نظام هزینه‌های دولت اسلامی، براساس مصالح عمومی ترسیم شده است و سازگاری بین رشد و توزیع را تحقق می‌بخشد.

البته باید به نقش برجسته‌ی بخش خصوصی، هم به عنوان کارگزاران اصلی و هم به عنوان هدف توسعه در عرصه‌ی اقتصاد اذعان داشت؛ از این رو، عمده‌ی سیاست‌های دولت اسلامی باید در راستای حمایت از این بخش شکل گیرد.

در پایان از تلاش همه دوستانی که در به انجام رساندن این اثر ما را یاری رساندند، به ویژه حجج اسلام آقایان سید رضا حسینی که فصل اول و دوم از بخش دوم کتاب و علی‌رضا لشکری که فصل هفتم از بخش سوم را تحقیق کردند، صمیمانه سپاسگزاریم.

مؤلفان

پژوهشکده حوزه و دانشگاه

طرح کلی اقتصاد اسلامی

طرح کلی اقتصاد اسلامی مشتمل بر عناصر سه گانه‌ی زیر است. با توجه به این عناصر، مبانی سیاست‌های اقتصادی از نظر اسلام شکل می‌گیرد؛ از این رو، تبیین این عناصر ضروری به نظر می‌رسد.

۱. عناصر ثابت

توزیع درآمد براساس کار، مالکیت به عنوان یکی از عوامل تولید، عامل اجتماعی و انسانی نیاز وارث، ایجاد توازن درآمد جامعه، سامان‌دهی نظام مالی براساس نرخ سود سرمایه نه نرخ بهره، ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی به عنوان زمینه‌ی رشد تولیدات ملی، اشراف بر منابع طبیعی و بهره‌برداری معقول از آنها، تولید کالاهای عمومی و ... از عناصر ثابت اقتصاد اسلامی به حساب می‌آیند.

۲. عناصر متغیر (مبانی اولویت‌های اقتصادی)

توجه به اصول زیر، هر چند به صورت فشرده، جهت شناخت دقیق این نوع عناصر، ضروری است.

الف) خطوط و اهداف کلی ثابت در نظریه‌ی اقتصاد اسلامی روند غالب و عمومی این عناصر را مشخص می‌نماید؛ بنابراین، عناصر متغیر نمی‌تواند با خطوط و احکام کلی ثابت در اسلام تضاد داشته باشد؛ هم چنان که نمی‌تواند سمت و سویی غیر از اهداف ثابت و تعیین شده از جانب شرع را مورد توجه قرار دهد؛ به عنوان مثال، این نوع عناصر متغیر هیچ‌گاه به گونه‌ای شکل نمی‌گیرند که استقلال سیاسی و اقتصادی جامعه را نادیده انگارند؛ زیرا استقلال سیاسی و حاکمیت نظام، بالاترین هدفی است که دیگر اهداف اقتصادی و اجتماعی باید با آن تنظیم شوند.

ب) این عناصر از جهت حقوقی - فقهی، در قلمرو اختیارات حاکم و ولی امر جامعه‌ی اسلامی است. هم چنان که هر فردی در محدوده‌ی رفتار خود، هنگام پیدایش حوادث تراحم گونه، مسئول تراحم است و اولویت‌های اهم را با اجتهاد خود یا مراجعه به کارشناس امین تشخیص می‌دهد و آن را بر مهم مقابل مقدم می‌دارد، در قلمرو وسیع نظام اسلامی و در سایر رویدادهای اجتماعی نیز، حاکمیت اسلامی براساس ارزیابی و مصلحت‌اندیشی همه‌جانبه، اولویت‌ها را تعیین و وزن هر یک از آنها را از نظر درجه‌ی اهمیت و شرایط عینی اجتماعی و اقتصادی جامعه از یک طرف و اهداف کلی نظام اسلامی که مشتمل بر اهداف اقتصادی نیز می‌باشد از طرف دیگر، مورد توجه قرار می‌دهد؛ مثلاً تعیین اولویت رفع بیکاری بر کاهش تورم تا دست‌رسی به نقطه‌ی تعادل، بدون ملاحظه‌ی وضعیت سیاسی و اجتماعی و نبودن ضرورتی ویژه انجام نمی‌پذیرد. هم چنان که تشخیص اولویت توسعه‌ی پایدار و جامع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نسبت به رشد اقتصادی همراه با رکود یا عقب ماندگی فرهنگی - اجتماعی را می‌توان از مقوله‌ی تبیین اهم و مهم، یا ترجیح دادن برخی اولویت‌ها بر بعضی دیگر براساس ملاک‌های^۱ پذیرفته شده دانست. از نظر کاربردی، کاری که امروزه شورای تشخیص مصلحت بر عهده دارد، دقیقاً بر همین مبنا استوار است و سیاست‌گذاری‌های این شورا، بر اساس تعیین اولویت‌ها و ترجیح ملاک‌های اهم بر ملاک‌های مهم است.

۳. عناصر متغیر زمانی (مرتبط با رویدادهای اجتماعی)

این نوع عناصر با مسائل کارشناسی اقتصاد، علم اقتصاد و دیگر علوم ارتباط دارد؛ به عنوان مثال، برای رسیدن به خودکفایی در خصوص مواد غذایی و شکوفایی بخش کشاورزی، باید از روش تولید و سیاست اقتصادی مناسب استفاده گردد که از یک طرف با اهداف اقتصادی جامعه و از طرف دیگر با وضعیت عینی شرایط اقتصادی جامعه هماهنگ باشد. هم چنین برای کاهش تورم، باید ارزیابی شود که آیا عامل اساسی آن فشار هزینه است یا افزایش تقاضا؛ و بعد از تشخیص این عامل، سیاست مناسب و سنجیده برای کاهش آن اتخاذ شود؛ همان گونه که از نظر تأثیر مالیات بر تولید و مصرف باید پیامدهای بار مالیاتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، تا سیاست مالی مثبت و سازگار اتخاذ شود.

۱. ملاک‌ها و معیارهایی که موجب می‌شود حاکمیت براساس آنها برخی پدیده‌ها و اهداف را بر برخی دیگر مقدم بدارد، می‌باید در محل مناسب خود مورد بحث قرار گیرد.

بنابراین، در اقتصاد اسلامی عناصر و اهداف ثابتی وجود دارند که اولویت‌های اجتماعی-اقتصادی (اهداف متوسط) بر مبنای آنها تعیین می‌گردند و کارشناسان اقتصادی نیز آموزه‌های علمی خود را جهت تدوین سیاست‌های اقتصادی هماهنگ با آن اولویت‌ها و در نتیجه، هماهنگ با اهداف ثابت به کار می‌گیرند.

نکته‌ی اساسی که باید بدان توجه داشت این است که مسئول و ولی جامعه، هنگام تزامن اولویت‌های سیاسی، اقتصادی و ... با یکدیگر (تزامن اهداف متوسط) براساس مصلحت‌اندیشی و کارشناسی دقیق و امانت‌گونه، اولویت‌اهم را تعیین و بدین‌وسیله، رفع تزامن می‌نماید.

از این رو، مالیه‌ی عمومی از دیدگاه اسلام (نظام درآمد و هزینه‌ی دولت اسلامی) از یک طرف با اهداف ثابت و کلی و اولویت‌های اجتماعی و اقتصادی (اهداف متوسط) مرتبط است، و از طرف دیگر، با مباحث علمی مالیه‌ی عمومی؛ لذا تدوین و تحقیق موضوع فوق، تلاش و همکاری علمی پژوهشگران اقتصاد اسلامی و کارشناسان علمی مالیه‌ی عمومی را می‌طلبد.

به هر حال، دولت، چه در نظام لیبرالیسم و چه در نظام اسلامی، حق دارد که از مردم مالیات بگیرد. سؤال اساسی این است که آیا مالیه‌ی عمومی در هر دو نظام می‌تواند مبنای واحدی داشته باشد، یا هر یک مبنای خاص خود را دارد؟ در فصل‌های آینده به این سؤال پاسخ خواهیم گفت.

بخش اول

تمايز مبنای وظایف و اهداف دولت

در اسلام و لیبرالیسم

□ فصل اول: مبنای وظایف و اهداف اقتصادی دولت لیبرال

□ فصل دوم: مبنای وظایف و اهداف دولت اسلامی

فصل اول

مبنای وظایف و اهداف اقتصادی دولت لیبرال

به‌طور کلی برخورداری افراد، نیازمند پایه‌ای فکری است تا براساس آن بتوان وظایف و نقش دولت را استنتاج نمود. اندیشمندان قرن هیجدهم و نوزدهم و عمدتاً «نفع‌گرایان» مدل «بازار آزاد» را مبنای برخورداری قرار دادند که در واقع، مبنای نظام اقتصاد بازار آزاد سرمایه‌داری است؛ البته این مدل در ابتدا صورتی کاملاً خالص داشت و در گذر زمان، جهت هماهنگ شدن با شرایط عینی جامعه، به صورتی که اکنون در کشورهای سرمایه‌داری غربی دیده می‌شود درآمد. مدل بازار آزاد، در آثار جان استوارت میل توضیح داده شده است.

عناصر مدل بازار آزاد میل به قرار زیر است:

۱. افراد یا شرکت‌ها می‌توانند منابعی همانند زمین، مواد اولیه و کالاهای دیگر از قبیل نیروی کار را تملک کنند و نظامی در جهت تضمین این حقوق، حاکم باشد؛
۲. کالاها صرفاً برای کسب درآمد (نفع) تولید شوند نه برای مصارف تولیدکننده؛
۳. نحوه‌ی توزیع کالا براساس معاملات آزادانه صورت گیرد و قوانین طبیعی عرضه و تقاضا، خود، قیمت را تنظیم نماید؛
۴. رقابت آزاد وجود داشته باشد؛ یعنی هر کس بتواند هر چه خواست تولید و عرضه نماید.^۱

ساختاری که بر پایه‌ی اصول فوق شکل می‌گیرد، کاملاً با ساختار جامعه‌ی مدنی لیبرال میل، سازگاری دارد؛ البته در واقعیت خارجی و میدان عمل، هیچ یک از کشورهای سرمایه‌داری، دقیقاً مطابق آن عمل ننموده‌اند.

۱. محمدجواد لاریجانی، تدین، حکومت و توسعه، صص ۳۲۷-۳۲۸؛ Jonathan Wolff, Political Philosophy.

مثلاً، دولت‌ها تولید و توزیع و معامله‌ی برخی کالاها، مانند مواد مخدر را تجویز نمی‌کنند و یا انحصار برخی از زمینه‌ها، مانند پست، مخابرات و تولید سلاح را به عهده می‌گیرند.

مدل «دولت حداقلی» در طی سال‌های مختلف به صورت‌های گوناگون اصلاح گردیده و به صورت «دولت رفاه» درآمده است که در آن، دولت‌ها مسائل مهمی از قبیل صیانت محیط زیست، دفاع از حقوق مصرف‌کننده، تأمین زمینه‌های امنیت ملی، ایجاد زیرساخت‌هایی که فعالیت‌های اقتصادی را روان می‌نمایند، مبارزه با انحصارات و ارائه‌ی خدمات عمومی را به عهده می‌گیرند؛ به گونه‌ای که ریشه کن کردن فقر، مورد توجه دولت قرار می‌گیرد؛ لذا اگر کسی کار خود را از دست بدهد، بدون غذا و مسکن نمی‌ماند و دولت موظف است که بار تأمین او را به عهده گیرد. در لیبرالیسم جدید، دولت رفاه اصل عدالت را مطرح می‌کند، به گونه‌ای که هم با اساس لیبرالیسم سازگار باشد و هم رفتار حکومت را در جهت تحقق آن توجیه نماید؛ در واقع دولت باید علاوه بر امنیت، عدالت را هم ایجاد نماید. تحمیل عدالت بر وظایف دولت رفاه، براساس تئوری فیلسوف معاصر، جان راولز، انجام می‌پذیرد. وی که «نظریه‌ی عدالت»^۱ را مطرح کرده است، به عدالت توزیعی اکتفا نمی‌کند؛ بلکه عدالت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهد. البته باید دانست که وی معیارهای عدالت را نه با توسل به ایدئولوژی یا نظریه‌ی اجتماعی مورد اختلاف، بلکه با استدلال عقلایی و با قرار گرفتن در موضع افراد فرضی و تصویری که هیچ گونه منافع خاصی نداشته باشند، توجیه می‌کند.

معیارهای عدالت راولز در کتاب نظریه‌ی عدالت^۲ به صورت دو اصل زیر عنوان شده است:

اصل اول، اصل آزادی^۳ است و هر فرد باید حق دسترسی به وسیع‌ترین آزادی‌های اساسی را داشته باشد و باید حقوق او در این امر با دیگران یکسان باشد؛^۴ از قبیل حق رأی، حق نامزدی جهت احراز مسئولیت‌های سیاسی، آزادی بیان، آزادی تجمع، آزادی دستیابی به آگاهی، آزادی فکر، آزادی‌های فردی، آزادی تملک.

اصل دوم، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی باید چنان ترتیب داده شود که دو

1. John Rawls, *A Theory of Justice*.

2. *A Theory of Justice*.

3. liberty Principle.

4. J. Rawls, *Ibid*.

شرط زیر را افاده کند:

الف) به نحو معقولی بتوان انتظار داشت که این نابرابری‌ها به نفع همه‌ی افراد باشد؛

ب) نابرابری‌های مزبور به مقام و موقعیت‌هایی وابسته باشد که بدون مانع در اختیار همه قرار گیرد.

به نظر راولز، این نابرابری‌ها عمدتاً عبارت‌اند از: آزادی فرصت‌ها، در آمد، ثروت و حرمت فردی، و در صورتی این نابرابری‌ها پذیرفته می‌شوند که «نفع سرجمع» آنها «برای همه» بیش‌تر باشد. اولین شرط اصل دوم را «اصل تمایز»^۱ و شرط دوم این اصل را که می‌گوید مناصب حکومتی باید به روی همه با امکان قانونی مساوی باز باشد، اصل «تساوی امکانات» می‌نامند که بر شرط اول این اصل تقدم دارد؛ بنابراین، اگر به فردی بگویند: تو به شرطی می‌توانی از ثروت بیش‌تر برخوردار شوی که قول بدهی هیچ‌گاه رئیس‌جمهور نشوی، یک کار غیرعادلانه است؛ هم‌چنان که اصل اول در عقلانیت راولز بر اصل دوم حاکمیت دارد؛ یعنی اگر افراد مخیر شوند بین برخورداری بیش‌تر یا آزادی بیش‌تری را انتخاب نمایند، باید آزادی بیش‌تر را انتخاب کنند.^۲

استدلال راولز بر نظریه‌ی عدالت

روش استدلال و نتیجه‌گیری او ریشه در مکتب قرارداد اجتماعی یا «قراردادگرایی»^۳ دارد که نمونه‌های آن را در نوشته‌های جان لاک، ژان‌ژاک روسو و ایمانوئل کانت می‌توان یافت؛ بنابراین، باید اصول عدالت در ساختارهای بنیادین جامعه مورد توافق اولیه‌ی افراد باشد، به گونه‌ای که افراد آزاد عقلانی در تأمین منافع خود، حاضر باشند اصول مزبور را برای تنظیم همکاری اجتماعی در موضع اولیه‌ی برابری بپذیرند.

اکنون سؤال اساسی این است که انسان‌ها در چه فضایی واقع شوند تا تحت تأثیر منافع شخصی و گروهی و گرایش‌های خصوصی قرار نگیرند و بر سر اصولی که حقوق، وظایف و نحوه‌ی توزیع دستاوردهای اجتماعی را معین و در نتیجه، خطوط عدالت اجتماعی را مشخص می‌کند، توافق کنند.

1. difference Principle

۲. ر.ک: محمدجواد لاریجانی، همان.

3. Contractualism.

راولز چنین فضایی را پشت پرده‌ی جهل ترسیم می‌کند. در چنین فضایی فرض بر این است که هیچ فردی از مقام، وضع طبقاتی خود در جامعه و درجه‌ی برخورداری خود از مواهب طبیعی، نظیر هوش، استعداد، قدرت بدنی و... آگاهی ندارد؛ یعنی برایش مجهول است که در چه حالتی وارد جامعه می‌شود و برنده و یا بازنده بودن خود را در سایه‌ی اصول عدالت پذیرفته شده تصور می‌نماید.

در چنین فضای فرضی‌ای که از ویژگی‌های شخصی خود تجرید به عمل می‌آوریم، می‌توانیم قواعد و معیارهای عدالت را به گونه‌ای انتخاب کنیم که از لحاظ اجتماعی، عقلایی باشد و منافع کلیه افراد را به حساب آورد؛ زیرا در چنین وضعیتی، قواعد منافع کلیه افراد در همه‌ی اوضاع و احوال، قبلاً در نظر گرفته می‌شود و ما هم در هر موقعیتی که باشیم در آن جامعه قربانی بی‌عدالتی نخواهیم شد.

راولز از پشت پرده‌ی جهل استدلال را آغاز و به آسانی آن را اثبات می‌کند؛ زیرا فرض بر این است که نمی‌دانیم خواهان کدام الگوی زندگی، چه مکتب هنری، اثر ادبی، لباس و غذا و کدام فکر فلسفی و اجتماعی هستیم؛ و نیز نمی‌دانیم که در وضع قوانین محدود کننده‌ی آزادی فردی نقشی داریم یا نه. در چنین حالتی برای ما یا فرد تصمیم گیرنده‌ی قواعد عدالت، جامعه‌ای که بالاترین درجه‌ی آزادی را تا حد امکان به افراد خود اعطا نماید، از جهت عدالت و اخلاق بالاترین مطلوبیت را دارد؛ البته تا جایی که افراد به آزادی‌های مشابه برای دیگران تخطی نکنند.

استدلال راولز برای اصل دوم، که مربوط به نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و شروط آن می‌باشد، این است که افراد تصمیم گیرنده، در موقعیت فرضی، افرادی عقلایی هستند و مسلماً مشکلات قبول قاعده‌ی برابری کامل اجتماعی و اقتصادی را درک می‌کنند؛ یعنی با علم به این که افراد جامعه از لحاظ استعداد طبیعی و کارایی نابرابرند و برقراری تساوی با اصل انگیزه‌ی فردی متباین است، درک می‌کنند که اجرای قاعده‌ی برابری، باعث پایین آمدن شدید محصول اجتماعی و افت کامل کمیت و کیفیت دستاوردهای جامعه می‌گردد و در نهایت به زیان همگان خواهد بود؛ بنابراین، افراد تصمیم گیرنده در موقعیت اولیه در صورتی این قاعده را موجه و عادلانه می‌دانند که اولاً، بتوان انتظار داشت که نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی به نفع همگی تمام شود و ثانیاً، مشاغل و مناصب ایجاد کننده‌ی نابرابری‌ها، در دست‌رس همگان باشد؛ زیرا هر فرد

عقلایی فکر می‌کند که اگر جزء قشرهای بالا و مرفه جامعه باشد، درباره‌ی سرنوشت خود نگرانی نخواهد داشت و اگر به قشرهای پایین جامعه تعلق داشته باشد، قاعده‌ی راولز (نابرابری در نهایت به نفع همگان است) بهترین تضمین را برای رفع نگرانی او خواهد داشت؛ بنابراین، در موقعیت اولیه‌ی تصمیم‌گیری درباره‌ی اصول عدالت، بدان رأی مثبت خواهد داد.

نقد استدلال راولز

براساس استدلال راولز - که مبنی بر روش قراردادگرایی روسو و کانت است - افراد عقلایی اگر با توجه به وضع خاص خود، هیچ نفع یا انگیزه‌ای نسبت به طبقات نداشته باشند، قواعد عدالت را به اتفاق آرا تعیین می‌کنند و آن را می‌پذیرند.^۱ واقعیت این است که نقد تفصیلی و مستدل دیدگاه راولز درباره‌ی معیارهای عدالت باید در محل مناسب خود صورت گیرد؛ ولی نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که راولز در محدوده‌ی تضاد بین منافع فردی و اجتماعی، شدیداً به زحمت افتاده است؛ گویی از یک طرف، تفاوت‌ها و پیامد آن، یعنی شکاف طبقاتی از حیث درآمد و دیگر پدیده‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی را در ساحت روابط اجتماعی آزاد، ضروری دانسته و از طرف دیگر، تعیین چارچوبی جهت محدود کردن عقلایی تفاوت‌ها و پیامدهای آنها را به عنوان عدالت، چاره‌ناپذیر دیده است؛ زیرا استمرار زندگی اجتماعی مبتنی بر تفکر لیبرالیسم و تلاشی نشدن روابط اجتماعی در درون این نظام و جلوگیری از رویدادهای اجتماعی تحمل‌ناپذیر، از قبیل فقر و بیکاری، در سایه‌ی جانب‌داری از منافع و آزادی فردی در زمینه‌ی اقتصاد و غیره، هیچ راه منطقی در تئوری خود نداشته است، مگر این که هدفی را به عنوان عدالت اجتماعی برای دولت‌ها در نظر بگیرد و در نهایت، دخالت آنها را در متغیرهای اقتصادی، از قبیل گرفتن مالیات، تأمین اجتماعی، بیکاری و ... بپذیرد.

بدیهی است که مکلف کردن دولت به حرکت در جهت عدالت اجتماعی بر مبنای اصالت انسان و خواسته‌های طبیعی او، توجیه منطقی می‌طلبد؛ زیرا محدودیت مقتضیات و نتایج طبیعی تفاوت‌های ذاتی انسان‌ها به عنوان عدالت، با اصل پذیرفته شده‌ی حداکثر سود و حداقل ضرر، قابل جمع نمی‌باشد. از این رو، اصل «تجاهل» را مطرح می‌نماید که

۱. ر.ک: کتاب خرد و آزادی، مقاله دکتر تمدن جهرمی، ص ۳۳۰.

براساس این اصل، انسان‌ها در جامعه‌ای فرضی، از تمایلات و موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی خود هیچ گونه اطلاعی ندارند تا تحت تأثیر منافع فردی و گروهی خود قرار گیرند؛ بلکه در فضایی کاملاً بی‌اطلاع از چنین موقعیت‌های متمایز، باید تفاوت‌های اجتماعی را توجیه نمایند، به گونه‌ای که به طور عقلایی به عنوان اساس زندگی اجتماعی بپذیرند که این تفاوت‌ها تا آن‌جا که منافع همگان را به دنبال داشته باشد پذیرفته شده است و در غیر این صورت نباید این تفاوت‌ها و پیامدهای آن را در وجوه مختلف جامعه پذیرفت. چنین عدالتی که انسان‌ها در فضای غبارآلود ابهام و تجرید از کلیه مشخصات عینی و واقعی بدان اعتراف می‌کنند، جامعه‌ی اتوپیایی هم سنخ خود را می‌طلبد. چگونه راولز می‌تواند مشکل اساسی اجتماعی عدالت را، که همان تضاد بین منافع فردی و اجتماعی است، با این عدالت تخیلی سامان دهد؟ توافق کلیه عقلای مجرد از مشخصات فردی و جاهل به منافع طبقاتی، عقیم‌تر از این است که خطوط عدالت را به طور واضح و بدون ابهام فرا راه جامعه و عقلا قرار دهد. از این رو، این مبنای وظایف و عدالت‌خواهی دولت لیبرال با مبنای وظایف دولت اسلامی، تفاوت ماهوی دارد که با تبیین مبنای وظایف و اهداف اقتصادی دولت اسلامی (فصل سوم) به این تفاوت‌ها پی خواهیم برد.

فصل دوم

مبنای وظایف و اهداف اقتصادی دولت اسلامی

وظایف و اهداف دولت اسلامی دارای مبنای ویژه‌ای است؛ زیرا حاکمیت اسلامی از یک سو مسئولیت هدایت جامعه و جلوگیری از انحراف آن را به عهده دارد و طبعاً براساس همین مسئولیت، اهداف و وظایفی را در حوزه‌ی رسالت خویش تعریف می‌نماید و از طرف دیگر زمینه‌ی هدایت‌پذیری جامعه را نیز نسبت به آنها فراهم می‌کند. در واقع عنصر سرنوشت ساز در تحقق این اهداف و وظایف، فراهم نمودن زمینه‌ی منطقی و طبیعی آنها در سطح جامعه است (نه تعریف این وظایف و تعیین خطوط عدالت، آن چنان که راولز و جبهه‌ی همت خود قرار داده و با تلاش زیاد و وام‌گیری از قرارداد اجتماعی روسو خواسته است برای اثبات آنها استدلال کند، ولی برای خارج کردن آنها از حالت اتوپیایی و تخیلی توفیق چندانی نداشت) زمینه سازی پذیرش این هدایت، از سطح پذیرش قرارداد اجتماعی فراتر می‌رود و آن را به یک باور درونی تبدیل می‌کند، باوری که در انحصار دین جامعی است که دنیا را با آخرت، فرد را با جامعه و جامعه را با حاکمیت و حاکمیت را با جامعه پیوند می‌دهد؛ به تعبیر دیگر، فقط آموزه‌های جامع اسلامی می‌تواند مصالح اجتماعی را به طور طبیعی و دلخواه افراد، وارد حوزه‌ی منافع فردی نماید، به گونه‌ای که هر فردی احساس می‌کند که این منافع اجتماعی، بخشی از همان منافع فردی اوست و چون او منافع فردی خود را با تمام وجود می‌خواهد، این مصالح اجتماعی را هم با یک نگاه عمیق‌تر و توسعه‌یافته‌تر، همان منافع فردی خود می‌داند که در مرحله‌ای دیگر از حیات که ضرورتاً در پی خواهد داشت بدانها دسترسی پیدا خواهد کرد. دین به گونه‌ای طبیعی و منطقی حُبّ ذات را توسعه می‌دهد و با ایجاد دیدی واقع‌بینانه، این باور را در نهان انسان بارور می‌سازد که تحمل نمودن محدودیت‌های مختلف در ساحت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و محدود کردن مرزهای منافع فردی با قیچی مصالح اجتماعی، به نفع خود فرد است و از ذخایر آینده او به حساب می‌آید.

در آغاز شکل‌گیری جامعه‌ی نبوی در مدینه، پیامبر اسلام (ص) در خطابه‌ای، همین واقعیت هدایت‌پذیری و نقطه‌ی تلاقی منافع فردی و گروهی را با صراحت تمام بیان فرمود:

ثم ليقولن له ربّه الم يأتك رسولي فبلغك و آتيتك مالاً و افضلت عليك فما قدمت بنفسك فلينظرن يميناً و شمالاً فلا يرى شيئاً ثم لينظرن قدامه فلا يرى غير جهنم فمن استطاع ان يقي وجهه من النار ولو بشق ثمره فليفعل و من لم يجد فيكلمة طيبة فانها تجزى الحسنه عشرة امثالها الى سبعمائة ضعف و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته^۱

هر کس می‌تواند خود را از دوزخ نجات دهد، کوتاهی نکند هر چند با انفاق نصف خرما و اگر آن را هم در اختیار نداشت، با کلام نیکو خود را نجات دهد. در سایه‌ی چنین باوری، حاکمیت اسلامی در مدینه اهداف و وظایف خود را تا آن‌جا که جامعه‌ی آن روز کشش داشت عملی ساخت.

بی‌شک استمرار هدایت‌پذیری جامعه و جلوگیری از انحراف آن توسط امامان معصوم (ع) و آنگاه با تلاش و مجاهدت عالمان دین انجام می‌پذیرد که در آیه‌ی زیر به‌طور واضح بیان شده است:

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءً^۲

رسالت و مسئولیت مشترک انبیا و امامان معصوم (الربانیون) و عالمان دین (الاحبار) در فراگیری و حفظ دین، (بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ) اشراف بر هدایت انسان‌ها در جهت دین (وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءً) و جلوگیری از انحراف جامعه از مسیر دین، شکل گرفته است.

طبیعی است که استمرار حرکت هدایتی انبیا و امامان معصوم (ع) به‌توسط عالمان پرهیزگار دین، می‌طلبد که آنها نسبت به جامعه و شئون و سرنوشت آن اختیار و ولایتی داشته باشند. هم‌چنان که مدیر هر نظام عقلایی وظایفی ویژه دارد و مناسب با آن وظایف از اختیار حقوقی لازم نیز برخوردار است. همان اختیار حقوقی‌ای که در ادبیات قانون اساسی به عنوان ولایت فقیه، مطرح شده است.

۲. سوره‌ی مائده (۵) آیه‌ی ۴۴.

۱. محمدباقر صدر، اقتصادنا، ج ۱، ص ۳۰۴.

اهداف کلی اقتصادی دولت اسلامی

براساس مسئولیت برخاسته از متن دین، حاکمیت اسلامی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، وظایف و اهدافی دارد که متناسب با موضوع هزینه و درآمد دولت، دو هدف کلی دولت اسلامی در حوزه اقتصاد را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. عدالت اجتماعی

اسلام وقتی عدالت اجتماعی را یکی از اهداف حاکمیت قرار می‌دهد، تفسیر آن را به دست ابهام و یا سلیقه‌ی افراد یا پذیرش قرارداد گونه‌ی آنها نسپرده است، بلکه معیارهای این عدالت را تا آن‌جا که وابسته به عناصر و محدودیت‌های ثابت بوده، بیان فرموده است و در محدوده‌ی شرایطی که در گرو تأمین مصلحت عمومی - عنصر متغیر - جامعه است، مبانی و چارچوبی کلی را تبیین کرده است؛^۱ از این رو می‌توان گفت که عدالت اجتماعی در تعامل بین انجام وظایف دولت و افراد جامعه تحقق می‌پذیرد. از یک طرف بخش خصوصی مسئولیت‌ها و محدودیت‌هایی را براساس همان باور به وحدت قلمرو منافع فردی و اجتماعی تحمل می‌کند، و در صورتی که تخلف نماید، حاکمیت آنها را به اجرا می‌گذارد؛ و از طرف دیگر، دولت نیز وظایفی را به عهده دارد که طبعاً تمام تلاش خود را در راستای انجام آنها به کار می‌گیرد.

از این رو می‌توان گفت عدالت اجتماعی، نتیجه و برآیند رعایت حدود الهی از جانب افراد جامعه و دولت است.

۱ - ۱. محدودیت کسب درآمد. هر کس مالک مالی است که از طریق حلال کسب کرده است. کسب راه تحصیل مال است و در صورتی می‌تواند ثروت‌زایی داشته باشد که از طریق غیر وام ربوی انجام بپذیرد؛ به همین جهت در قانون اساسی چنین تصریح شده است:

هر کس مالک حاصل کسب و کار خویش است.

مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است ...^۲

۱. مراجعه شود به همین فصل، قسمت: عناصر متغیر زمانی.

۲. اصل ۴۶ و ۴۷.

و در اصل بعدی برخی موارد غیرمشروع را بیان می‌کند:

دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن به بیت المال بدهد...^۱

۱ - ۲. پرداخت حقوق مالی (مالیات و ...). در مالی که از طریق حلال کسب شود، حق معلومی برای دیگران وجود دارد؛

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ^۲
وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ^۳

براساس این اصل، منافع اجتماعی در حوزه‌ی منافع فردی قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که هر فرد بر این باور است که تأمین منفعت فردی‌اش ایجاب می‌کند که این حقوق مالی را در شکل‌های گوناگون از قبیل خمس، زکات، وقف و ... ادا نماید.

۱ - ۳. حق حاکمیت در تأمین مصالح عامه. بخشی از درآمدهای دولت اسلامی که به صورت انواع مالیات مستقیم و غیرمستقیم تحقق می‌پذیرد از طریق اجرای این حق است. مصالح عمومی جامعه ایجاب می‌کند که دولت، کالاهای عمومی، زیر ساخت‌های اقتصاد، امنیت داخلی و خارجی، نیازهای بهداشتی و درمانی، آموزش و پرورش و ... را تأمین نماید و، در نتیجه، بخشی از هزینه‌ی این نوع خدمات ضروری را به عنوان مالیات دریافت کند.

۱ - ۴. توازن درآمد جامعه. فاصله‌ی چشم‌گیر ثروت در میان قشرهای جامعه موجب می‌شود که آنان از یکدیگر دور شوند و طبقه‌ی برخوردار جامعه دردها و مشکلات مردم محروم را احساس نکند. این فاصله‌ها، عقده‌ها و کینه‌ها را افزایش می‌دهد و وحدت جامعه را از بین می‌برد. از این گذشته، تمرکز ثروت منشأ بروز مفسد اخلاقی و مشکلات اجتماعی است؛ اگر ثروت در دست عده‌ای انباشته شود، در مقابل، عده‌ای دیگر به

۲. سوره‌ی ذاریات (۵۱)، آیه‌ی ۱۹.

۱. اصل ۴۸ و ۴۹.

۳. سوره‌ی معارج (۷۰)، آیه‌های ۲۴ و ۲۵.